

سیاست و حکومت در اسلام

مؤلفین: مریم قنبری نژاد جهرمی

سید مجیب دیانت

سرشناسه : قنبری نژاد جهرمی، مریم، ۱۳۵۵ -
 عنوان و نام : سیاست و حکومت در اسلام/ مریم قنبری نژاد جهرمی، سیدمحبیب
 پدیدآور : دیانت.
 مشخصات نشر : تهران: آرنا، ۱۳۹۳.
 مشخصات : ۳۴۰ ص.
 ظاهری
 شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۳۵۶-۰۹۲-۵
 وضعیت فهرست : فیبا
 نویسی
 یادداشت : کتابنامه به صورت زیرنویس.
 موضوع : اسلام و سیاست
 موضوع : اسلام و دولت
 شناسه افزوده : دیانت، سیدمحبیب، ۱۳۵۵ -
 رده بندی کنگره : ۱۳۹۳BP۲۳۱ ۹س۹ق/
 رده بندی دیویی : ۲۹۷/۴۸۳۲
 شماره کتابشناسی : ۲۵۴۹۳۱۲
 ملی

عنوان: سیاست و حکومت در اسلام

مؤلفین: مریم قنبری نژاد جهرمی، سید محیب دیانت

ناشر: آرنا

چاپ و صحافی: چاپک

نوبت چاپ: اول تابستان ۱۳۹۳

تیراژ: ۱۰۰۰

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۳۵۶-۰۹۲-۵

قیمت: ۲۱۰۰۰۰ ریال

فهرست

صفحه

عنوان

۸	چکیده
۱۰	مقدمه
۱۲	بخش اول: نظام سیاسی اسلام
۱۳	فصل اول: کلیاتی در باب سیاست
۱۳	مبحث اول: معنای سیاست
۱۵	مبحث دوم: تعریف علم سیاست
۱۹	مبحث سوم: کاربرد واژه سیاست در متون دینی
۲۶	مبحث چهارم: مسائل نظام سیاسی
۳۲	مبحث ششم: اهداف نظام سیاسی اسلام
۳۴	فصل دوم: اسلام و سیاست
۳۴	مبحث اول: تعریف و قلمرو دین
۴۰	مبحث دوم: پیوند دین و سیاست
۴۴	مبحث سوم: دیدگاه ها در زمینه رابطه دین و سیاست
۴۸	مبحث چهارم: سکولاریسم
۴۸	الف- مفهوم سکولاریسم
۵۰	ب- سابقه تاریخی سکولاریسم در مغرب زمین
۵۵	ج- جنبان های فکری سکولاریسم
۵۸	مبحث پنجم: برخی مکاتب و اندیشه های موثر در سکولاریسم مسیحیت
۶۵	مبحث ششم: نقد و بررسی شبهات سکولاریسم
۸۱	مبحث هفتم: اهداف سیاسی دین و رسالت انبیا
۸۶	مبحث هشتم: ماهیت رابطه دین و سیاست در اسلام
۸۸	مبحث نهم: انتظار بشر از دین
۹۰	نمونه هایی از پاسخ اسلام به انتظارات بشر
۹۷	فصل سوم: اسلام و مسائل حقوق بشر
۹۷	مبحث اول: تقسیمات حقوق

مبحث دوم: ضرورت وجود حقوق و قواعد حقوقی در جامعه.....	۹۹
مبحث سوم: مبانی حقوق یا ملاکهای احکام حقوقی.....	۱۰۳
مبحث چهارم: تاریخ تدوین حقوق بشر در اسلام.....	۱۰۵
مبحث پنجم: پیش زمینه های حقوق بشر در اسلام.....	۱۰۸
مبحث ششم: تکوین حقوق بشر در اسلام.....	۱۱۰
مبحث هفتم: کرامت و شرافت انسان.....	۱۱۳
مبحث هشتم: برابری انسانها در به دست آوردن حق.....	۱۲۰
مبحث نهم: خاستگاه حق و هدف حقوقی جامعه اسلامی.....	۱۲۲
مبحث دهم: حقوق بنیادین بشر در اسلام.....	۱۲۵
جایگاه زن در قانون اساسی جمهوری اسلامی.....	۱۳۴
مبحث یازدهم: رابطه دین و آزادی.....	۱۴۵
الف-معنای آزادی.....	۱۴۵
ب-خاستگاه بحث از آزادی.....	۱۴۶
ج- اقسام آزادی.....	۱۴۷
د-شبه تعارض دین با آزادی.....	۱۵۰
ج-تنافی محق بودن انسان با الزام های دینی.....	۱۵۵
مسد و مرز آزادی در حوزه نظام سیاسی.....	۱۵۸
مبحث دوازدهم: انواع آزادی های حقوقی.....	۱۵۹
الف) آزادی سیاسی.....	۱۶۰
ب) آزادی فکر و عقیده.....	۱۶۰
ج) آزادی بیان.....	۱۶۱
بخش دوم: حاکمیت در اسلام.....	۱۶۳
فصل اول: مفاهیم و کلیات.....	۱۶۴
مبحث اول: حاکمیت.....	۱۶۴
مبحث دوم: سیری کلی در عقاید مربوط به حاکمیت.....	۱۶۸
نقد و نظر به مفهوم حاکمیت در اندیشه صاحب نظران مغرب زمین.....	۱۷۲
حاکمیت در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.....	۱۷۴
مبحث سوم: لزوم تشکیل حکومت.....	۱۷۷
مبحث چهارم: لزوم تشکیل حکومت دینی.....	۱۸۵

۱۹۰	مبحث پنجم: انواع حکومت
۱۹۷	دموکراسی مستقیم
۱۹۸	دموکراسی نماینده سالار
۱۹۹	دموکراسی نیمه مستقیم
۲۰۰	دموکراسی لائیک
۲۰۱	دموکراسی در حوزه مدیریت
۲۰۲	مبحث پنجم: نقد و بررسی حکومت استبدادی و حکومت دموکراسی
۲۱۴	مبحث ششم: طبقه بندی حکومت بر اساس جهان بینی
۲۱۹	فصل دوم: مشروعیت و حکومت
۲۱۹	مبحث اول: کلیات در باب مشروعیت
۲۲۱	مبحث دوم: ملاک مشروعیت
۲۲۱	الف- نظریه قرارداد اجتماعی (خواست مردم)
۲۲۶	ارزیابی نظریه قرارداد اجتماعی
۲۲۸	ایرادهای نظریه
۲۳۰	ب-نظریه عدالت یا ارزش های اخلاقی
۲۳۲	ج- نظریه حکومت الهی یا مرجعیت دینی
۲۳۲	د- نظریه وراثت و سنت
۲۳۳	مبحث سوم: ملاک مشروعیت در اسلام
۲۳۶	مبحث چهارم: مشروعیت حکومت در تاریخ اسلام
۲۳۸	مبحث پنجم: مقارنه منشأ ثبوتی مشروعیت در حکومت مردم سالار و حکومت علوی
۲۴۶	فصل سوم: حکومت دینی و ضرورت آن
۲۴۶	مبحث اول: حکومت دینی در اندیشه سیاسی غرب
۲۵۸	مبحث دوم: تبیین حکومت دینی بر اساس دیدگاه حق
۲۶۱	مبحث سوم: حاکمان الهی بر اساس دیدگاه حق
۲۶۸	مبحث چهارم: دلایل ضرورت تحقق حکومت دینی
۲۷۹	مبحث پنجم: فلسفه و اهداف حکومت اسلامی
۲۸۳	اوصاف مدینه فاضله
۲۸۳	الف - رشد فرهنگی
۲۸۴	ب- رشد اقتصادی

ج- فرایند صحیح صنعتی.....	۲۸۵
د- رشد حقوقی داخلی و بین المللی.....	۲۸۷
مبحث ششم: ارزیابی مشارکت مردمی در حکومت دینی.....	۲۸۷
نتیجه گیری.....	۲۹۱
پیوست.....	۲۹۴
متن اعلامیه حقوق بشر اسلامی.....	۲۹۴
فهرست منابع.....	۳۰۴

چکیده

صرف نظر از تلازم مفهومی دو مقوله دین و سیاست، اصولاً توجه به سه بخش اصولی تعلیم اسلام، یعنی ایدئولوژی، شریعت و اخلاق، خود بیان کننده این رابطه عمیق، اصولی و جدایی ناپذیر میان آن دو است. با توجه به محتوا و مسائل ماهوی دین و سیاست، جایی برای تردید باقی نمی ماند که در اسلام، رابطه دین و سیاست، یک رابطه منطقی و ماهوی است و این دو، لازم و ملزوم یکدیگر و جدایی ناپذیرند. به عبارتی دیگر، این رابطه به عنوان یک اصل و یک مبنای کلی و زیر بنایی در تفکر اسلامی، غیر قابل انکار می باشد.

در واقع در عرصه سیاست و قلمرو دین، مشترکاتی وجود دارد که این دو را در هدف و یک سلسله مسائل مهم زندگی اجتماعی به هم مربوط می سازد. همچنین اقتضای اراده تکوینی خداوند بر این است که انسان موجودی انتخاب گر و آزاد باشد و در راستای بهره مندی انسان از کمال آزادی در انتخاب سرنوشت، هیچ مخلوقی را بالاصاله، اجازه اعمال اقتدار بر عملکرد و تصمیمات او نباشد. اما در وادی انتخاب سرنوشت و حرکت به سوی سعادت واقعی، انسان به حکم عقل، هدایت های وحیانی را ضروری می داند و لازم می بیند که عقل و فهم خود را تنها تحت ولایت الهی قرار داده و فقط در برابر اقتدار خدای هستی بخش کرنش نماید. با این حال تمایل طبیعی انسان بر حیات اجتماعی، او را محتاج به نظامی می کند که ابعاد گوناگون حیات اجتماعی او را با وضع قوانین و ایجاد محدودیت در انتخاب های انسان، مدیریت نماید. اما چنین اقتدار و سلطه ای در برابر مقتضای آفرینش انسان، که آزادی در اراده و انتخاب و مجاز نبودن احدی جز خدای حکیم در اعمال حاکمیت است، همواره با چالشی جدی و تعارضی پیوسته توأم می باشد.

بی تردید، حل این تعارض در گرو آن است که بتوان اقتدار فرمانروا را بر اساس معیارهای عقلانی، برخاسته از ولایت و اقتدار منبعی دانست که عقل به طور مسلم، حکم به

حقانیت ولایت او بر سرنوشت انسان می نماید. یعنی باید که حقانیت حاکمیت از مبنایی الهی برخوردار باشد.

مطالعه حاکمیت های موسوم به مردم سالار یا دموکراسی ثابت می کند که مشروعیت برخاسته از اذن و اراده مردمی، امری متغیر و غیرعینی است و نمی تواند مبنایی الهی را در حقانیت نمایان سازد. همچنین مبنای الهی در حقانیت حاکمیت تنها وقتی است که مشروعیت و حقانیت برخاسته با اذن حق تعالی بوده باشد که به حکم عقل، شایستگان چنین اذنی، افرادی هستند که اولاً مقرب ترین انسان ها به درگاه خداوند باشد و ثانیاً در آگاهی از خواست و رضایت حق تعالی از علم الهی برخوردار باشند؛ یعنی انبیای عظام و ائمه معصومین (علیهم السلام).